



The Confrontation between Pro- and Anti-Peasant Movement Associations in Gilan during the Constitutional Era

Azam Esmailzadeh ^{*1}, Mohammad hasan Moradi²

¹- Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran.

A_esmaeilzadeh@pnu.ac.ir

²- Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran. m-

moradi@pnu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	During the Constitutional Era, numerous associations were established in various regions of Iran, including Gilan. These organizations can be categorized into two groups: formal and informal. The Constitutionalist associations of Gilan possessed extensive political and social functions and played a pivotal role in the formation and advancement of the region's peasant movement. Peasants across Gilan revolted against the landowners (Arbab), and the National Associations of Rasht and Abbas, in support of them, organized numerous rural branches. Conversely, associations such as "Landlords" (<i>Mālekin</i>), "Safaiyeh," and "Khayrieh," established by landowners and proponents of despotism, engaged in confrontation with the peasants. The primary goal of this research is to elucidate the role of these two spectrums of associations in the various stages of the Gilan peasant movement. This research was conducted relying on the historical method and a descriptive-analytical approach, utilizing library resources and national and local newspapers published during the Constitutional Era. The results demonstrated that the pro-peasant associations, despite their limitations, held a fundamental role in the leadership, support, and expansion of the movement across Gilan. On the other hand, the opposing associations, benefiting from governmental and parliamentary support, ultimately succeeded in suppressing the movement and re-establishing the landlord-tenant system. Although the Gilan peasant movement was ultimately suppressed, this movement left an indelible mark on the history of social transformations in Iran, standing as the first organized rural movement in contemporary Iranian history. This movement clearly showed that the rural society possessed a high capacity for political mobilization and participation, successfully elevating the issue of land and landlord-tenant relations into a national discourse. The experience of forming rural associations also exhibited a pioneering model of popular self-organization. Keywords: Peasant movement, Role of associations, Gilan, Constitutional Era.
Received: 18/08/2025	
Accepted: 26/12/2025	
Cite this article: Esmaeilzadeh, Azam; Moradi, Mohammad hasan (2025) "The Confrontation between Pro- and Anti-Peasant Movement Associations in Gilan during the Constitutional Era", <i>The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam</i>, Vol. 3, No. 2, P: 69-96.	

DOI: 10.30479/hvri.2025.22532.1088

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



Corresponding Author: Azam Esmailzadeh

Address: Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran.

E-mail: A_esmaeilzadeh@pnu.ac.ir

تقابل انجمن‌های موافق و مخالف جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه

اعظم اسماعیل‌زاده^۱، محمدحسن مرادی^۲

^۱- استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. A_esmaeilzadeh@pnu.ac.ir

^۲- استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. m-moradi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	در عصر مشروطه، انجمن‌های متعددی در مناطق مختلف ایران، از جمله گیلان، تأسیس شدند. این تشکلات را می‌توان به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. انجمن‌های مشروطه‌خواه گیلان دارای کارکردهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای بودند و نقشی محوری در شکل‌گیری و پیشبرد جنبش دهقانی این منطقه ایفا کردند. دهقانان در سراسر گیلان علیه مالکان زمین (اربابان) قیام کردند و انجمن‌های ملی رشت و عباسی با حمایت از آنان، شاخه‌های روستایی متعددی را سازماندهی کردند. در مقابل، انجمن‌هایی نظیر «مالکین»، «صفائیه» و «خیریه» که توسط زمین‌داران و هواداران استبداد ایجاد شده بودند، به رویارویی با دهقانان پرداختند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش این دو طیف از انجمن‌ها در مراحل گوناگون جنبش دهقانی گیلان است. این پژوهش با تکیه بر روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روزنامه‌های ملی و محلی منتشر شده در عصر مشروطه، انجام شده است. نتایج نشان داد که انجمن‌های حامی دهقانان، با وجود محدودیت‌ها، در رهبری، حمایت و گسترش دامنه جنبش در گستره گیلان نقشی بنیادین داشتند. در سوی دیگر، انجمن‌های مخالف، با برخورداری از حمایت‌های دولتی و مجلسی، در نهایت موفق به سرکوب جنبش و تثبیت مجدد نظام ارباب-رعیتی شدند. با وجود آنکه جنبش دهقانی گیلان در نهایت سرکوب شد، این حرکت به عنوان نخستین جنبش سازمان‌یافته روستایی در دوره معاصر ایران، میراثی ماندگار در تاریخ تحولات اجتماعی کشور بر جای گذاشت. این جنبش به وضوح نشان داد که جامعه روستایی از ظرفیت بالای بسیج و مشارکت سیاسی برخوردار است و توانست مسئله زمین و مناسبات ارباب-رعیتی را به یک گفتمان ملی ارتقا دهد. تجربه تشکیل انجمن‌های روستایی نیز نمونه‌ای پیشرو از خودسازمان‌دهی مردمی را به نمایش گذاشت.
دریافت:	۱۴۰۴/۰۵/۲۷
پذیرش:	۱۴۰۴/۱۰/۰۵
واژگان کلیدی:	جنبش دهقانی، نقش انجمن‌ها، گیلان، عصر مشروطه.

استناد: اسماعیل‌زاده، اعظم، مرادی، محمدحسن (۱۴۰۴)، «تقابل انجمن‌های موافق و مخالف جنبش دهقانی گیلان در عصر

مشروطه»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال سوم، شماره دوم، صص: ۹۶-۷۹.



DOI: 10.30479/hvri. 2025. 22532.1088

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

انجمن‌های تأسیس شده در گیلان در عصر مشروطه، توسط گروه‌ها و طیف‌های گوناگونی با خاستگاه‌های صنفی، سیاسی و مذهبی شکل گرفتند. انجمن‌های رسمی، پس از کسب مشروعیت، از اختیارات اجرایی در حوزه نفوذ خود برخوردار بودند و تقریباً در کلیه امور قضایی و اجتماعی منطقه حضوری فعال داشتند. در کنار این تشکلهای، انجمن‌های غیررسمی نیز با عناوین مختلفی ظهور کردند که فعالیت بسیاری از آنها غالباً محدود به صنف یا گروه خاصی بود. با این وجود، برخی از این انجمن‌های غیررسمی، مانند انجمن عباسی، در طول دوره فعالیت خود، عملاً در تمامی مسائل سیاسی و اجتماعی منطقه نقش‌آفرینی کردند.

یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه در گیلان عصر مشروطه، جنبش دهقانی بود که در دو سال نخستین انقلاب مشروطه، سراسر منطقه را فرا گرفت. این جنبش در واکنش به ستم‌های گسترده اربابان آغاز شد و مورد حمایت احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی قرار گرفت. موضع‌گیری انجمن‌های عصر مشروطه گیلان نسبت به این جنبش را می‌توان به دو دسته موافق و مخالف تقسیم کرد که هر دسته، نقش‌های متفاوتی در آغاز، گسترش و فرجام این حرکت ایفا نمودند.

سؤال اصلی این پژوهش این است که: انجمن‌های عصر مشروطه‌ی گیلان چه میزان و چگونه بر جنبش دهقانی این منطقه تأثیر نهادند؟ این پژوهش با تمرکز بر نقش برجسته برخی از تأثیرگذارترین انجمن‌های گیلان در جریان جنبش دهقانی، در صدد پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق برمی‌آید. از جمله مهم‌ترین انجمن‌های مؤثر در این جنبش می‌توان به انجمن ولایتی، انجمن عباسی، انجمن مالکین و انجمن‌های روستایی اشاره کرد.

انجمن‌های حامی دهقانان، در مراحل آغازین جنبش، با تشویق دهقانان به عدم پرداخت بهره مالکانه به اربابان، نقشی کلیدی داشتند. این انجمن‌ها با انتشار بیانیه‌های حاوی خواسته‌های دهقانان در روزنامه‌های وابسته، ارسال رسمی مطالبات آنان به مجلس و پیگیری مستمر آن، و همچنین از طریق سازماندهی انجمن‌های خُرد در روستاها، از دهقانان حمایت کردند. در واقع، آنها با انتقال دیدگاه‌های خود به بدنه روستایی، کوشیدند تا جنبشی قدرتمند و فراگیر در منطقه ایجاد نمایند. در مقابل، انجمن مالکین به عنوان اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد مخالف دهقانان، با تشکیل و پشتیبانی از تشکلهایی نظیر انجمن خیریه و انجمن صفا، ارسال درخواست‌های مکرر به مجلس

و جلب حمایت نمایندگان زمیندار، به مقابله فعال با جنبش دهقانی و انجمن‌های حامی آن برخاست.

در خصوص پیشینه پژوهش، باید اذعان داشت که تاکنون مطالعه‌ای مستقل با محوریت نقش انجمن‌های موافق و مخالف جنبش دهقانی در گیلان عصر مشروطه صورت پذیرفته است. مطالعات پیشین، اغلب نگاهی کلی‌تر داشته‌اند؛ از جمله مقاله «جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه» نوشته اسماعیل زاده که به چگونگی شکل‌گیری، گسترش و فرجام این جنبش پرداخته است. مقاله «نگرشی جامعه‌شناختی به جنبش‌های روستایی گیلان در عصر مشروطه» اثر نصرالله پورمحمد املشی، جنبش‌های دهقانی گیلان را در دوره‌های تاریخی مختلف با رویکرد روانشناسی اجتماعی بررسی می‌کند. مقاله «روزنامه ساحل نجات و حوادث مشروطه گیلان» اثر همین نویسنده، به بررسی رخداد‌های انزلی در عصر مشروطه و اهمیت انجمن‌های ملی در آن دوره، با تکیه بر روزنامه ساحل نجات، می‌پردازد. همچنین، مقاله «کارکردهای انجمن‌های غیررسمی گیلان در عصر مشروطه» از اعظم اسماعیل زاده و محمدحسن مرادی، به معرفی و تحلیل انجمن‌های غیررسمی می‌پردازد. پناهی و سید مجید حسینی در مقاله «واکاوی جنبش‌های روستایی در گیلان مقارن انقلاب مشروطه»، به بررسی این جنبش‌ها پرداخته‌اند. زادبر و همکاران در مقاله «بررسی و تحلیل زمینه‌ها و نقش جنبش دهقانی در مشروطیت گیلان»، با استناد به نظریه بسیج منابع، جنبش مذکور را تحلیل کرده‌اند. مقاله «تحولات گیلان پس از انقلاب مشروطه با تکیه بر صورت مذاکرات مجلس اول و دوم شورای ملی» از امامعلی شعبانی و سمیه سیفی پور، تحولات گیلان را بر اساس مذاکرات مجلس پیگیری می‌کند. در نهایت، مقاله «رادیکالیسم و مشروطه گیلانی: بررسی نقش گیلانیان در تحولات انقلابی ایران» از پناهی، به بررسی نقش مشروطه‌خواهان گیلانی در شکل‌گیری رادیکالیسم فکری و سیاسی در عصر مشروطه ایران می‌پردازد. هدف نهایی این پژوهش، تبیین و تحلیل دقیق و ساختاریافته نقش دوگانه انجمن‌های موافق و مخالف در مسیر تحولات جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه است.

۱. انجمن‌های عصر مشروطه

در عصر مشروطه، یکی از مؤثرترین سازوکارهای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، تأسیس انجمن‌ها بود. ظهور انجمن‌ها، در نتیجه پیروزی انقلاب مشروطیت، استقرار مجلس و

تدوین نظامنامه انتخابات، رسمیت یافت (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۷۲). هرچند پیش از انقلاب مشروطیت نیز انجمن‌های مخفی تشکیل شده بودند که با وجود محدودیت‌های فراوان، فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای از خود به نمایش گذاشتند (براون، ۱۳۳۸: ۴۵۶).

در باب الگوی شکل‌گیری انجمن‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. برخی، خاستگاه این الگو را به سوئیت‌های انقلابی^۱ روسیه نسبت می‌دهند (اتحادیه، ۱۳۶۹: ۱۴۹). همچنین، علاقه برخی از رهبران روشنفکر تندرو مشروطه، نظیر یحیی میرزا و مخبرالسلطنه، به انقلاب فرانسه - که از بنیان‌گذاران انجمن‌ها^۲ محسوب می‌شدند - الگوی تقلید از آن انقلاب را تقویت می‌کند؛ هرچند نمی‌توان بینش آنان را عامل اصلی و مؤثر در شکل‌دهی پدیده انجمن در ایران دانست (یزدانی، ۱۳۷۹: ۲۴). با در نظر گرفتن این نکته که انجمن‌ها توسط گروه‌های اجتماعی مختلفی تأسیس می‌شدند، می‌توان ریشه سنت تشکیل انجمن‌ها را به ساختار جامعه‌ای که در آن شکل گرفتند، مرتبط دانست. حضور افراد با گرایش‌ها و طیف‌های اجتماعی متفاوت، موجب تفاوت‌های اجرایی میان هر یک از انجمن‌ها گردید، تفاوتی که با نگاهی به کارکردهای انجمن‌های جوامع مختلف، مشهود خواهد بود.

بر اساس یک تقسیم‌بندی عمومی، انجمن‌ها به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند: الف) انجمن‌های رسمی شامل: ۱. انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ۲. انجمن ملی، ۳. انجمن بلدی، ۴. انجمن معارف.

ب) انجمن‌های غیررسمی نیز شامل: ۱. انجمن‌های صرفاً سیاسی، ۲. انجمن‌های صنفی، و ۳. انجمن‌های اقلیت‌های مختلف (خارابی، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۸).

دیدگاه‌های متفاوتی در داخل و خارج نسبت به عملکرد انجمن‌ها وجود داشت. تقریباً اکثر نمایندگان مجلس بر این موضوع اشتراک نظر داشتند که انجمن‌ها از محدوده اختیارات خود فراتر رفته‌اند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، ش ۲). به عنوان نمونه، هنگامی که نمایندگان مجلس «لایحه

^۱ - سوویت‌ها، سازمان‌هایی بودند که در خلال انقلاب روسیه، از نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان تشکیل شدند. آن‌ها می‌کوشیدند مبارزه با نظام تزاری را رهبری کنند و دموکراسی مستقیم را در جامعه برقرار سازند.

^۲ - مانند: ۱. ژاکوبین‌ها: (club des jacobins) این انجمن معروف‌ترین و تأثیرگذارترین انجمن بود؛ ۲. کوردلیه‌ها: (club des cordeliers) انجمنی مردمی و رادیکال که نقش دیده‌بان انقلابی را ایفا می‌کرد و بسیار مردمی، رادیکال و پوپولیست بود؛ ۳. فویان‌ها: (club des Feuillants) انجمن سلطنت‌طلبان مشروطه که اعضای آن را میانه‌روها و سلطنت‌طلبان مشروطه تشکیل می‌دادند.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را تصویب کردند و گیلان را در شمار ولایات قرار دادند، مقرر شد که انجمن‌های ملی شهرهای مختلف آن ولایت منحل گردند. در گیلان، شهرهای رشت، انزلی و لاهیجان دارای انجمن ملی بودند. انجمن ملی لاهیجان با ارسال تلگرافات متعدد، به تصویب این لایحه و پیامدهای سوء آن برای لاهیجان و گیلان اعتراض کرد (فخرایی، بی‌تا: ۲۰۲). به عنوان مصداق دیگر، می‌توان به اعتراض آقا میرزا محمد خوانساری، نماینده مجلس، در خصوص دخالت گسترده انجمن‌ها اشاره کرد که اظهار نمود: «انجمن‌ها نوشته‌اند که اگر در عرایض ما اقدام نشود، ما خودمان اقدام خواهیم نمود؛ نباید این حرف‌ها را بگویند و بنویسند، زیرا که آن‌ها تابع حکم مجلس هستند» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، ش ۲۱۴). مجدالاسلام کرمانی، انحلال مجلس را نتیجه فعالیت‌های نامبارک انجمن‌ها می‌دانست (کرمانی، ۱۳۵۱: ۴۲). در «کتاب آبی» نیز در مورد انجمن‌های عصر مشروطه ایران چنین آمده است: «اقتدار و نفوذ معنوی اساس قدیم بواسطه فعالیت انجمن‌ها لغو، بلکه منهدم گردیده و مجلس نمی‌تواند احترام و نفوذ معنوی برای خود ایجاد نماید» (کتاب آبی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۹۱).

قدرت اجرایی انجمن‌های رسمی حد و مرزی نداشت؛ تقریباً اکثر انجمن‌های عصر مشروطه در تمامی امور سیاسی و اجتماعی مداخله داشتند و بسیاری از آحاد جامعه از طرفداران آن‌ها بودند. این انجمن‌ها که ماهیت قومی، محلی یا صنفی داشتند، در تشدید جو انقلابی نقشی بسیار مهم ایفا کردند (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۶۳). در همین دوره، بسیاری از انجمن‌های غیررسمی تنها در حد نام و عنوان تشکیل می‌شدند و کارکرد مشخصی نداشتند؛ در واقع، بسیاری از آن‌ها چیزی بیش از یک محفل کوچک نبودند (سالور و افشار، ۱۳۷۷: ج ۳/ ۱۹۳۷). روزنامه گیلان در خصوص تعدد بی‌رویه انجمن‌های غیررسمی در گیلان چنین گزارش می‌دهد: «در این اثنا نه از روی عزم و جزم و خیال گرفتن نتیجه، بلکه محض بی‌علمی و بدعملی و تقلید صرف، انجمن‌های عدیده با اسامی مختلفه دوازده امام، چهارده معصوم و... و آنچه از هر مصدری باز می‌گردد تندتند تشکیل شدند و افراد مختلف با حیل‌های فراوان داخل این مجامع می‌شدند» (روزنامه گیلان، ۱۳۲۸، ش ۲/۲۱).

روزنامه گیلان در طول دو سال انتشار خود از حامیان رعایا بود و در شماره‌های متعدد به واکاوی عملکردهای انجمن‌ها در خصوص دهقانان پرداخته است. انجمن‌های غیررسمی متعددی شکل گرفت و بسیاری از اعضای آن‌ها از حامیان استبداد بودند. عملکرد انجمن‌های غیررسمی

در گیلان نشان می‌دهد که به‌جز معدودی از آن‌ها، باقی‌مانده منفعل بودند و کاری جز اتلاف وقت نداشتند: «کار سماور و بازار چای و دستگاه قلیان و وقت‌گذرانی رواج داشت» (روزنامه گیلان، ۱۳۲۸، ش ۲۱). با این حال، می‌توان اذعان داشت که برخی از انجمن‌های غیررسمی نقش مهم و تأثیرگذاری در تحولات سیاسی و اجتماعی گیلان داشتند که از آن جمله می‌توان به نقش آن‌ها در جنبش دهقانی گیلان اشاره نمود.

۲. وضعیت دهقانان گیلانی پیش از عصر مشروطه

در واپسین دهه‌های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، دهقانان گیلانی، مانند دیگر طبقات روستایی ایران، در شرایط معیشتی دشواری به سر می‌بردند. نظام مالکیت خصوصی زمین که در اختیار خان‌ها و ملاکین بزرگ بود، شالوده اصلی مناسبات کشاورزی در روستاها را تشکیل می‌داد (عبدالله یف، ۱۳۶۱: ۲۳۷). دهقانان در ازای بهره‌برداری از زمین‌های اربابی، موظف به ادای تکالیف متعدد و سنگینی بودند. این الزامات فراتر از کار صرف کشاورزی بود؛ آنان علاوه بر وظایف زراعی، موظف به نگهداری از دام‌های اربابی بودند و در صورت نیاز به فعالیت‌های ساختمانی، مکلف به انجام بیگاری بودند. اختیار مالکیت بر جان و مال دهقانان عملاً در دست مالک بود (رئیس‌نیا، بی‌تا: ۱۱).

روستاییان گیلانی به‌طور خاص در تولید محصولات نظیر برنج، ابریشم، زیتون، صیفی‌جات و چای فعالیت داشتند، اما تمرکز اصلی اقتصاد روستایی بر تولید پنبه و کرم ابریشم معطوف بود. از این رو، بخش عمده‌ای از منازعات دهقانان در جریان جنبش دهقانی عصر مشروطه، حول محور روند کشت‌وکار و به‌ویژه چگونگی تولید کرم ابریشم متمرکز شد. از لحاظ جغرافیایی، شهر رشت و روستاهای اطراف سفیدرود، به دلیل شرایط اقلیمی مناسب، بهترین کانون‌های تولید کرم ابریشم محسوب می‌شدند (عیسوی، ۱۳۶۳: ۳۶۴).

علاوه بر اربابان، زیردستان آن‌ها شامل مباشر، میرآب و پاکار نیز به بیچارگی دهقانان دامن می‌زدند. دهقانان با مشقات فراوان، هزینه حق‌الزحمه میرآب‌ها را متحمل می‌شدند، اما در عمل، عدم پابندی میرآب‌ها به وظایفشان منجر به آبیاری ناکافی و در نتیجه، خرابی محصول می‌شد. این معضل در سال‌های خشکسالی به دلیل عدم تعمیر سدها تشدید می‌گشت، و محصول برداشت شده کفاف پرداخت سهم مالکان را نمی‌داد. در چنین شرایطی، دهقانان تلاش می‌کردند از روستاها

فرار کنند، هرچند حضور مأموران ارباب در همه جای روستا مانع از موفقیت این اقدام می‌شد. روزنامه صبح صادق در مکتوبی تحت عنوان «یوزباشی چه کرد و یعقوب چه گفت»، این وضعیت را به صراحت بیان می‌کند: «یوزباشی: خوب رعیت وقتی این طور ببیند چرا باید رعیتی بکند. دست بکشد و شغل دیگر بگیرد. یعقوب: رعیت حق ندارد از سر ملک خود به جای دیگر برود» (روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵، ش ۸۰).

به طور خلاصه، زندگی فلاکت‌بار دهقانان گیلانی حاصل تعامل پیچیده‌ای از مولفه‌های قدرت بود که شامل موارد زیر می‌شد:

۱. مالکان و طبقه میانی روستایی: اعم از مباشر، پاکار، میرآب و کدخدا.
۲. قدرت‌های محلی: خان‌ها و حکمرانان محلی در مناطق مختلف گیلان.
۳. حکمرانان مرکزی: نیروهای دولتی مستقر در شهر رشت.

۳. جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه

سرزمین گیلان در طول ادوار تاریخی مختلف، شاهد خیزش‌های دهقانی متعددی بوده است؛ از جمله شورش دهقانان بخش خاوری در قرن هشتم هجری علیه امرای ناصرونند، قیام دهقانان لشت‌نشا در دوره صفویه، و جنبش دهقانان به رهبری عادل‌شاه در زمان شاه صفی (فومنی، ۱۳۴۹: ۵۸؛ نعمایی، ۱۳۵۸: ۴۱۶). با این حال، می‌توان ادعا کرد که جنبش دهقانان گیلان در عصر مشروطه اول، پایدارترین حرکت دهقانی در این منطقه محسوب می‌شود. این جنبش در پاسخ مستقیم به اجحافات فزاینده اربابان علیه دهقانان شکل گرفت.

نظام زمین‌داری گیلان در دوره قاجاریه مبتنی بر ساختار ارباب-رعیتی بود. ارباب به عنوان مالک زمین، آب، بذر و تمامی ابزار تولید ایفای نقش می‌کرد، اما به شکلی پارادوکسیکال، در فرآیند تولید کشاورزی دخالت فعالی نداشت (سوداگر، ۱۳۵۹: ۲۵). روش‌های زراعی در گیلان بسیار ابتدایی بود. دهقان گیلانی نه تنها ملزم به پرداخت سهم به ارباب بود، بلکه به افراد متعددی از طبقات فرادست مانند ژاندارم، مطرب، درویش و دیگران نیز «باج» پرداخت می‌نمود (مومنی، ۱۳۵۹: ۵۲).

نظام ستمگرانه مالکیت زمین و شیوه‌های ناعادلانه سهم‌بری از محصول، درآمدی ناچیز در اختیار رعیت باقی می‌گذاشت. روزنامه آموزگار^۱ در توصیف وضعیت رنجبران می‌نویسد: «چون ما به حال رنجبران نظر نماییم، می‌بینیم قوت لایموت را در کمال سختی تحصیل می‌نمایند؛ خصوصاً زارعین، حتی قادر به شوهر دادن دختران خود نیستند و بالاخره زندگی غالب رنجبران به اندازه زندگی بهایم^۲ نیز نیست» (روزنامه آموزگار، ۱۳۲۹، ش ۳/۲). به عنوان نمونه‌ای دیگر از این مظلّم، رعایا برای ازدواج دختران خود مجبور به پرداخت «حق نکاح» بودند؛ چنانکه در گزارشی آمده است: «رعایای کنارسر^۳ پیش آمدند، گفتند مشروطه بدعت‌ها را برداشته، از جمله بدعت‌ها جریمه مزاجت بود که چون دختر به شوهر می‌دادیم باید از ده الی پنجاه تومان جریمه دهیم تا به نام او شیرینی نهیم. الحال کماکان همان آش و همان کاسه است» (خیرالکلام، ۱۳۲۵، ش ۳/۱۰).

وضعیت مالیاتی نیز فاقد هرگونه نظم و نسق مشخصی بود. حکام ایرانی از نظر اسمی در برابر شاه و نخست‌وزیر مسئول بودند، اما عملاً در حوزه حکمرانی خویش هر آنچه اراده می‌کردند، به اجرا درمی‌آوردند (دو گوینو، بی تا: ۷۹). در این دوره، حکومت محلی گیلان رسماً مالیات زمین را تا بیست درصد افزایش داد (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ج ۶/۱). با این حال، مالکان در عمل مبالغی بسیار فراتر از مالیات رسمی از دهقانان مطالبه می‌کردند؛ به نقل از خیرالکلام: «مردم شقاجی رشت پیش آمدند که در سابق مالک پول هوایی می‌گرفت. در عصر مشروطه چون دیدند هوایی حرام است، لذا پول هوایی را به اجاره افزودند، از قرار تومانی پنجاه دینار تحمیل کرده و کسی به داد ما نمی‌رسد» (خیرالکلام، ۱۳۲۵، ش ۱۰/۳).

تلاش مالکان برای کسب منافع بیشتر، دهقانان را در بسیاری موارد وادار به فرار و ترک روستاها می‌نمود (رایینو، ۱۳۶۶: ۱۶-۱۳). با این حال، فرار رعیت از ده تقریباً غیرممکن بود، زیرا ارباب از سوی عوامل قدرت مختلفی حمایت می‌شد: «رعیت حق ندارد از سر ملک خود به جای دیگر برود، هر جا برود به قوت حکومت و مأمور حکومتی او را خواهند آورد» (روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵، ش ۸۰).

۱ - این روزنامه به مدیریت آقا میرزا حسین‌خان جودت در رشت منتشر می‌شد.

۲ - منظور روزنامه، نشان دادن سطح پایین زندگی روستائیان در حد چهارپایان است.

۳ - نام روستایی است در گیلان که امروزه جزء شهر کوچصفهان محسوب می‌شود.

یکی دیگر از راهبردهای تضعیف‌کننده دهقانان، اعطای وام از سوی مالکین بود. بسیاری از دهقانان به دلیل ناتوانی در بازپرداخت این وام‌ها، حقوق سنتی خود نسبت به زمین را از دست دادند (عیسوی، ۱۳۶۳: ۸۵). بدهکاری به افراد مختلف- از جمله اربابان، کدخدایان، مباشران، دکان‌داران روستا و تاجران مقیم شهرهای مجاور- با نرخ بهره‌های بالا، یکی از واقعیت‌های تلخ زندگی آنان بود (سوداگر، ۱۳۵۹: ۲۵؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۵۹).

روزنامه ساحل نجات در شماره ۱۲ خود، با شعری، ماهیت ظلم را چنین توصیف می‌کند:

ملاک بلائی شده بر جان رعیت
ظلم است که بگرفته گریبان رعیت
خار ستم افتاده به دامن رعیت
سوزد جگرم بهر یتیمان رعیت
یا مالک هر ملک بود مالک دوزخ
یا زارع بیچاره فتاده است به دوزخ
ارباب بیا رحم به حال فقرا کن
ملاک از این ظلم تو شرمی ز خدا کن
پاکار تو از هرزگی خویش حیا کن
ای کهنه مباشر تو جریبانه رها کن
(روزنامه ساحل نجات، ۱۳۲۵، ش ۱۲).

دهقانان، مانند همه طبقات فرودست، استثمار اقتصادی و زندگی زیر سایه زور، فشار، تحقیر و نابرابری را تا حدی تحمل می‌کردند؛ زیرا بقای خانواده‌شان در گرو صاحبان قدرت بود. در سراسر دوره قاجار، زندگی آنان کاملاً تحت سلطه شاه و حاکمان محلی قرار داشت. مستشارالدوله در کتاب یک کلمه، ظلم حاکمان به رعایا را مغایر با احکام اسلامی دانسته و پرسیده است: «کدام یک از محکمه‌های عدالت مملکت اسلام موافق احکام مزبوره رفتار می‌شود. بر اساس کدام حکم، حکام عرف را در دست خود کتاب قانون دانسته، که از روی آن با رعایا که امانت محترمه خداوند است، رفتار کنند؟» (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۳۸).

بزرگترین چالش برای شکل‌گیری یک نیروی متحد دهقانی در سطح ملی، پراکندگی روستاها در ایران بود که مانع از مشارکت آن‌ها به عنوان یک طبقه منسجم در جنبش می‌شد. اما در گیلان،

این وضعیت متفاوت بود؛ جنبش دهقانی همزمان با نخستین حرکت مردم رشت برای درخواست مشروطیت آغاز شد (تدین، ۱۳۵۳: ۳۰ و ۲۹۸). دهقانان پس از ناامیدی از توانایی نمایندگان مجلس در مقابله با مالکان، با نپرداختن بهره مالکانه به اربابان خود درگیر شدند. رابینو در گزارش‌های خود به این نقطه عطف اشاره می‌کند: «کلیه کارهای رشت مغشوش است، تخم نوغان‌ها پول برای خرید پيله نمی‌دهند و رعایا در مقابل تعديات مالکین سری بیرون آورده‌اند. یک رعیت مالک ملک خود را زد» (رابینو، ۱۳۶۸: ۱۱). در نهایت، ترکیب شرایط نوین جامعه در عصر مشروطه و قابلیت‌های دهقانان گیلانی که تا حد زیادی تحت هدایت گروه‌هایی چون اجتماعيون عاميون و برخی انجمن‌ها قرار داشتند، موجب بسیج جمعی آن‌ها در سراسر گیلان شد و آنان را در آرزوی تغییر نظام ارباب-رعیتی قرار داد.

۴. نقش انجمن‌های عصر مشروطه در جنبش دهقانی گیلان

در طول دو سال استمرار جنبش دهقانی گیلان (۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ هجری قمری)، گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی متعددی به دفاع از دهقانان برخاستند. از برجسته‌ترین این تشکلهای می‌توان به فرقه اجتماعيون عاميون و سوسیال دموکرات‌های گیلان اشاره کرد. شواهد نشان می‌دهد که اجتماعيون عاميون رشت به صورت سازمان‌یافته در هسته اصلی جنبش دهقانی دخالت مستقیم نداشتند؛ با این وجود، برخی از روزنامه‌نگاران کلیدی این فرقه، نظیر سید اشرف‌الدین حسینی، مدیر روزنامه نسیم شمال، و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، مدیر روزنامه صوراسرافیل، به حمایت از دهقانان پرداختند. روزنامه صوراسرافیل در مقاله‌ای بر ضرورت تقسیم زمین میان دهقانان تأکید و حرکت دهقانان گیلان را طلیعه شورش‌های روستایی ایران تلقی می‌کرد (یزدانی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). همچنین، در برنامه‌های گروه سوسیال دموکرات‌ها قید شده بود که «تمام املاک باید به کسانی تعلق داشته باشد که با عرق جبین آن‌ها را کشت می‌کنند» (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۸۸). از این رو، سوسیال دموکرات‌های گیلان نیز خواهان اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به کشاورزان بودند (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۹).

حضور پررنگ انجمن‌های گیلان در مسائل سیاسی و اجتماعی، به واسطه خاستگاه مردمی‌شان در دو سال اول مشروطه، اهمیت فراوانی یافت. با تداوم روش‌های ظالمانه نظام ارباب-رعیتی، دهقانان ناچار به بسیج منابع برای مقابله با مالکان بودند. تغییرات مکرر حاکمان در گیلان، بی‌ثباتی

سیاسی و امنیتی منطقه را دامن می‌زد و کنش‌گری‌های اجتماعی را توسعه می‌داد. در این فضای متلاطم، تشکیل انجمن‌ها و گروه‌هایی مانند اجتماعيون عاميون، عاملی مهم و تأثیرگذار در تکمیل فرایند بسیج منابعی بود که توسط دهقانان آغاز شده بود. این انجمن‌ها، به‌ویژه فرقه اجتماعيون عاميون، تلاش می‌کردند دهقانان را با طرح‌ها و برنامه‌های خود به سوی حذف نابرابری‌های اجتماعی دعوت کنند. از مهم‌ترین این نهادها می‌توان به انجمن عباسی^۱، انجمن‌های ملی و ولایتی، و انجمن‌های روستایی اشاره کرد. سید جلال شهرآشوب، رئیس انجمن عباسی در لشت‌نشا، با بخشیدن هفت سال مال‌الاجاره و مالیات به رعایا، به این بهانه دو تا سه هزار نفر رعیت را گرد خود جمع کرد (رابینو، ۱۳۶۸: ۱۷).

انجمن عباسی بیش از هر چیز بر الغای مالیات و عوارض حکومتی، رفع تعدیات مالکان، و تشویق دهقانان به قیام علیه نظام ارباب-رعیتی تأکید داشت. چنانکه میرزا رحیم شیشه‌بر، یکی از وکلای انجمن، اظهار می‌داشت که به دهات نوشته‌اند: «رعایا مال‌الاجاره خودشان را و پيله مثالته را هم ندهند» (رابینو، ۱۳۵۲: ۱۸). حضور انجمن عباسی در جریان جنبش دهقانی به حدی مؤثر بود که حسام‌الاسلام، نماینده اعزامی مجلس برای بررسی اوضاع، اعلام کرد که «انجمن عباسی باعث تمام فتنه‌ها است» (حبل‌المتین، ۱۳۲۶، ش ۳۳). به عقیده این نماینده، نه تنها این انجمن، بلکه چهارده شعبه متصل به آن نیز عامل تمامی فتنه‌های دهقانی بودند. در تقابل با این دیدگاه، سید جلال شهرآشوب، رهبر انجمن، آشکارا از حسام‌الاسلام بدگویی می‌کرد. رابینو به عنوان مصداق این تقابل، به ارسال کاغذهای تهدیدآمیز از سوی انجمن عباسی به حسام‌الاسلام اشاره می‌کند: «کاغذهای تهدیدآمیز به حسام‌الاسلام رسید، حاکم دو نفر قزاق به او فرستاد و امنیت داد، لیکن بهتر است حسام‌الاسلام در خانه بماند» (رابینو، ۱۳۶۸: ۳۳).

انجمن عباسی، ضمن آنکه به صورت یک تشکیلات مذهبی-سنتی عمل کرده و گاهی مراسم عزاداری در خیابان‌ها برگزار می‌کرد، یک انجمن کاملاً سیاسی و انقلابی محسوب می‌شد که الغای مالیات و عوارض حکومتی را مطالبه می‌کرد. یکی از شیوه‌های اصلی اشاعه نظریات این انجمن، برگزاری سخنرانی‌های متعدد در میان عموم مردم بود. اعضای انجمن سعی داشتند با این جلسات،

^۱ - انجمن عباسی در عصر مشروطه توسط سید جلال شهرآشوب و میرزا رحیم شیشه‌بر که زمانی نماینده اصناف در انجمن ملی رشت بودند، تشکیل شد. سید جلال شهرآشوب پس از اخراج از انجمن ملی، به همراه رحیم شیشه‌بر به لشت‌نشا - که ملک مختص امین‌الدوله بود - رفت و با ازدواج با همسر صیغه‌ای ارباب و با حمایت مردم و یاری چند روشنفکر، شبکه‌ای از انجمن‌ها را در سراسر گیلان به وجود آورد (رابینو، ۱۳۵۲: ۳۱؛ آفاری، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

دهقانان را آگاهی بخشیده و هدایت کنند؛ این جلسات اغلب در مسجد برگزار می‌شد. جورابچی در خاطرات خود نقل می‌کند: «یک روز به مسجد رفته بودم، پرسیدم امروز اینجا چه خبر است؟ گفتند این سید جلال شهر آشوب رهبر انجمن عباسی است که هر روز جهت رهبری مردم نطق می‌نماید» (جورابچی، ۱۳۶۳: ۸۶).

بسیاری از نامه‌های اعتراضی و درخواست‌های دهقانان، به دلیل بی‌سوادی غالب رعایا، توسط اعضای انجمن‌ها، به‌ویژه اعضای انجمن عباسی، نگاشته می‌شد. همچنین، برخی روزنامه‌های محلی طرفدار انجمن‌ها، مطالب بسیاری از دهقانان و خواسته‌های آنان را در شماره‌های خود به چاپ می‌رساندند. روزنامه *خیر الکلام* حمایت گسترده‌ای از انجمن عباسی و دهقانان داشت؛ این حمایت آنچنان بود که روزنامه *حبل‌المتین* از *خیر الکلام* نکوهش کرد و آن را «محرک فقر و رعایا در چاپیدن مال اغنیا و مالکین» دانست (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۶، ش ۱۶۴/۳-۶).

حمایت انجمن‌های ملی گیلان و به‌ویژه انجمن عباسی از دهقانان، منجر به تشکیل ساختارهای منسجم محلی در روستاها گردید. این نهادها که با عناوینی چون انجمن‌های بلوکات، انجمن‌های روستایی و انجمن‌های دهات شناخته می‌شدند، مرکز فعالیت خود را در میان مردم روستایی مستقر ساختند.

ترکیب اعضای این انجمن‌ها، که غالباً از میان خود دهقانان و روستاییان تشکیل شده بود، نشان‌دهنده ابتکار عمل دهقانان و عزم جدی آنان برای احقاق خواسته‌های ویژه‌ای بود که جنبش را در برابر مالکان سازماندهی کرده بود. این ساختار جدید محلی، هم حکومت محلی رشت و هم حکومت مرکزی را نسبت به اوضاع گیلان ناخشنود ساخته بود (آدمیت، ۱۳۸۷: ۷۵). در اغلب دهات، دهقانان با حمایت این انجمن‌ها، از ورود مباحثان ممانعت کرده و از پرداخت مالیات خودداری نمودند و در همان‌جا به تشکیل انجمن‌های محلی مبادرت ورزیدند (پاولویچ و ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۱۸).

از مهم‌ترین این انجمن‌های محلی می‌توان به انجمن اسالم، انجمن کرکانرود، انجمن لشت‌نشا و انجمن آلالان اشاره کرد (روزنامه *حبل‌المتین*، ۱۳۲۵، ش ۴۱؛ روزنامه *تمدن*، ۱۳۲۵، ش ۲۰). در منطقه کرکانرود تالش، دهقانان تحت حمایت انجمن‌های محلی از پرداخت سهمیه مقرر پيله ابریشم به ارباب اجتناب ورزیدند و در اقدامی رادیکال، خانه ارباب را ویران ساختند (کتاب آبی،

۱۳۶۳: ج ۶۶/۱). این انجمن‌های محلی تقریباً در تمامی امور مشابه انجمن ملی و ولایتی عمل می‌کردند و تقریباً هم‌زمان با استقرار، با همکاری دهقانان از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کردند. آنچه بیش از هر عاملی در تقویت این انجمن‌های روستایی و جایگاه دهقانان مؤثر بود، نقش انجمن‌ها و گروه‌های حمایت‌گر شهری بود. بسیاری از این انجمن‌های محلی با حمایت انجمن ملی انزلی و گروه‌های تأثیرگذاری چون اجتماع‌یون عامیون و انجمن مجاهدین تشکیل شده بودند. این گروه‌های سیاسی نه تنها مؤسس انجمن‌های محلی، بلکه رهبران و هدایت‌گران اصلی جنبش در طول دو سال محسوب می‌شدند. آنان از راه‌های گوناگونی به حمایت از دهقانان و نشر اندیشه‌های خود می‌پرداختند. به عنوان نمونه، گروه اجتماع‌یون عامیون رشت دو روزنامه منتشر می‌کردند: *مجاهد و نسیم شمال*. این روزنامه‌ها ضمن انتشار افکار و اهداف گروه، وضعیت دهقانان را نیز به عنوان یکی از موضوعات کانونی خود قرار داده بودند (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۶). در حقیقت، رهبری فکری انجمن‌های روستایی بر عهده انجمن‌ها و گروه‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها و روزنامه‌نگاران وابسته به ایشان بود.

حامیان این انجمن‌ها، موضوعات خاص مورد توجه دهقانان را در روزنامه‌های خود به چاپ می‌رساندند و حمایت آن‌ها تا سطوح حمایت نظامی و رهبری درگیری‌ها گسترش یافت. در نبردهای دهقانان با خوانین، این گروه‌های حامی همواره در کنار آنان بودند. به نظر آفاری، شیوه‌های دفاعی و نظامی منحصربه‌فرد به کار گرفته شده در منطقه طالش در جنبش دهقانی، با فعالیت‌های انجمن عباسی، انجمن انزلی و انجمن‌های مجاهدین پیوند داشت (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

به موازات اقدامات تحریک‌آمیز مالکان، حامیان دهقانان اهدافی فراتر از دفاع صرف را دنبال می‌کردند و در صدد تصرف اراضی مالکان بزرگ برآمدند. گسترش این انجمن‌ها در روستاهای متعدد، نقشی حیاتی در تداوم و عمق‌بخشی به جنبش دهقانی گیلان ایفا نمود. یکی از کانونی‌ترین نهادها در این میان، انجمن ولایتی گیلان^۱ بود که در دو سال نخستین دوره مشروطه، کارکردهای گسترده سیاسی و اجتماعی داشت. این انجمن به دلیل رسمیت یافتن بر

^۱ - براساس قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مجلس در سال ۱۳۲۵ق آن را مدون و تصویب کرد و به کلیه ولایت‌ها و ایالت‌ها ارسال نمود، سرزمین گیلان علیرغم همه مقاومت‌ها و مخالفت‌های انجمن‌ها و مشروطه‌خواهان گیلانی، با ۷۱ رأی موافق نمایندگان مبنی بر ولایت شدن، ۶ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع، از سوی مجلس به عنوان ولایت معرفی شد. نخستین

اساس لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از اختیاراتی به مراتب گسترده‌تر نسبت به سایر انجمن‌های محلی برخوردار بود. نظام‌نامه آن مقرر می‌داشت: «وظیفه هر انجمن ایالتی و ولایتی را دارالشورا به موجب نظام‌نامه معین می‌کند، لزوم انجمن ولایتی در هر ایالت و ولایت برای نظارت و تفتیش در دوائر رسمی آن ایالت از اداره حکومت محلی و عدلیه و نظمیه و بلدیه باعث ترقی اهالی آن ایالت و افزایش منافع ثروت آن‌هاست» (روزنامه خیرالکلام، ش ۶۳ و ۶۴، ۱۲۸۷). بدین ترتیب، انجمن ولایتی و انجمن‌های وابسته به آن، به مرجع اصلی رسیدگی به درخواست‌های دهقانان بدل شدند. روزنامه *حبل‌المتین* گزارشی از نفوذ این مرجعیت ارائه می‌دهد: «رعایای حسن‌کیاده انزلی از تعدیات مباشر و اجحافات آنان در فقره پيله ابریشم، دسته جمعی در انجمن انزلی تحصن اختیار نموده بودند» (روزنامه حبل‌المتین، ش ۶۷، ۱۲۸۵).

در این دوره، ساختار قدرت محلی پیچیده بود؛ متنفذان منطقه‌ای شامل سران عشایر و مالکان بزرگ، در عین اطاعت اسمی از شاه و دولت مرکزی، در قلمرو خود دارای نفوذ فراوانی بودند. هرگاه قدرت دولت مرکزی تضعیف می‌شد، این گردن‌کشان محلی فرصت را غنیمت شمرده، مرتکب قتل و غارت شده و منطقه را دچار ناامنی می‌ساختند (خارابی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). در اوج جنبش دهقانی، انجمن ولایتی به عنوان بزرگ‌ترین نهاد رسمی گیلان و پل ارتباطی میان مردم، حکومت محلی و مرکز، پس از آنکه درخواست‌هایش از حاکم محلی بی‌نتیجه ماند، از طریق تلگراف‌های مکرر به مجلس، خواستار احقاق حقوق زارعین گیلان شد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجرایی انجمن‌های رسمی، برقراری امنیت و نظارت بر امور حکومتی بود. انجمن ولایتی عملاً ناظر بر عملکرد حاکم منطقه محسوب می‌شد (روزنامه مجلس، ش ۱۷، ۱۲۸۵). این قدرت ناشی از رسمیت یافتن این نهادها بود که خود دستاوردی از متمم قانون اساسی محسوب می‌شد. انجمن‌های ایالتی و ولایتی علاوه بر نظارت بر عملکرد حکام و والیان، مسئول جمع‌آوری مالیات نیز بودند و در عین حال که از مجلس حمایت می‌کردند، اغلب آن را نیز به چالش می‌کشیدند. آن‌ها نه تنها در برابر دخالت‌های مستمر دولت مرکزی در امور ایالات مقاومت می‌کردند، بلکه با نخبگان محلی که نمایندگان حکومت به شمار می‌آمدند نیز وارد مقابله می‌شدند (فوران، ۱۳۹۶: ۴۶؛ مارتین، ۱۳۹۸: ۳۳).

انجمن ولایتی گیلان به طور خاص از دهقانان در برابر مالیات‌های اضافی که گیلانیان به مراتب بیش از سایر ایالات پرداخت می‌کردند، حمایت می‌نمود. این انجمن، بسیاری از مالیات‌های اضافی را که در دوره استبداد وضع شده بود و با وجود لغو در عصر مشروطه، همچنان به رسم عادت استبدادی در بسیاری از روستاهای گیلان اخذ می‌شد، منسوخ اعلام کرد (روزنامه گیلان، ش ۴۹، ۱۲۸۹؛ روزنامه خیرالکلام، ش ۹، ۱۲۸۵).

نقش امنیتی و حقوقی انجمن ولایتی در جنبش دهقانی حائز اهمیت بود. مجلس در پاسخ به درخواست‌های مکرر انجمن ولایتی برای رسیدگی به وضعیت دهقانان، موضعی دوگانه اتخاذ کرد و نوشت: «گیلانیان مفهوم درست مشروطگی را دریافته‌اند یا نه؟ اکنون زارع دست خویش را آزاد یافته و به فکر حفظ حقوق خود برآمده، مجلس قویاً خواهش می‌نماید که اصول مشروطیت را به مردم بفهمانند و رفع این اغتشاش نمایند» (روزنامه مجلس، ش ۳/۶۱، ۱۲۸۶). این موضع‌گیری نشان می‌داد که مجلس، در حالی که خواستار آرامش بود، حقوق جدید دهقان را به رسمیت شناخته است، هرچند که نمایندگان بر این باور بودند که طبق مشروطیت، املاک مالک باید از تعرض مصون بماند (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

انجمن ولایتی برای بازگرداندن آرامش و ساماندهی مطالبات، جلساتی برگزار نمود که به نتایج اجرایی مشخصی برای دهقانان منجر شد. برخی از مهم‌ترین مصوبات این جلسات عبارت بودند از:

۱. اختیار تخم نوغان باید به رعیت منتقل شود، نه ارباب.
۲. حذف رسومی نظیر اخذ «جواز عروسی دختران رعایا» از سوی ارباب.
۳. منسوخ شدن اهدای سنتی تخم مرغ، کلش و جارو به ارباب توسط دهقان (روزنامه انجمن ولایتی، ش ۲/۱ و ۳، ۱۲۸۵).

علاوه بر این، یکی از قرارهای مهم دیگر، تقلیل مال‌الاجاره (میزان برنج دریافتی ارباب از دهقان) بود که فشار مالی وارده بر دهقانان را تا حدودی تسکین می‌بخشید (حبل‌المتین، ش ۱۴۶، ۱۲۸۵). با این حال، این اقدامات انجمن ولایتی در خصوص حذف رسومات سنتی، با مخالفت شدید مالکین مواجه شد، زیرا ترک سنت امتیازات اجتماعی که مالکان آن را حق مسلم خود می‌دانستند، امری به این سادگی نبود.

۵. واکنش سیاسی و رفتاری مالکان در مقابل کنش اعتراضی دهقانان

در برابر اقدامات سازمان‌یافته انجمن‌های حامی دهقانان، مالکان نیز دست به واکنش زدند. واکنش اولیه آن‌ها متمرکز بر استمداد از مرکز قدرت بود؛ مالکان با ارسال تلگراف‌های متعدد به مجلس، خواستار کمک برای فرونشاندن جنبش دهقانی شدند. یکی از این تلگراف‌ها که در روزنامه مجلس درج شد، نشان‌دهنده درک آن‌ها از مفاهیم مشروطیت بود: «رعایای گیلان فرض کرده‌اند که معنی سلطنت مشروطه بالمره آزاد بودن و ندادن مالیات است. تمامی رعیت‌خانه‌های اینجا مختل است تکلیف چیست؟» (روزنامه مجلس، ش ۱۱۹، ۱۲۸۵). مجلس صراحتاً موضع حمایتی از مالکان اتخاذ کرد؛ چنانکه یکی از نمایندگان اعزامی مجلس برای تفتیش اوضاع اعلام داشت: «مجلس ملی، نخواهد گذاشت که رعایا حق مالکان را بخورند» (روزنامه حبل‌المتین، ش ۳۳، ۱۲۸۶).

در گام بعدی، مالکان برای مقابله با انجمن‌های دهقانی، دست به تأسیس انجمن‌های موافق زدند؛ از جمله انجمن صفا^۱ و انجمن‌های خیریه^۲ در ولایات مختلف گیلان (روزنامه مجلس، ش ۴/۴۸، ۱۲۸۶؛ روزنامه ساحل نجات، ش ۲، ۱۲۸۶).

انجمن صفا: اعضای این انجمن که تماماً از ملک‌داران و اعیان لاهیجان بودند، بر این باور استوار بودند که: «جان و مال و ناموس رعیت مختص ارباب است و رعیت حق هیچ‌گونه چون و چرا ندارند» (روزنامه نسیم شمال، ش ۳/۱۲، ۱۲۸۶).

انجمن‌های خیریه (رشت، دیلمان، بندر انزلی): هدف اصلی این تشکله‌ها، مقابله با مشروطه‌خواهان و انجمن‌های ملی بود. آن‌ها در هر کجا که تأسیس می‌شدند، با تلاش برای ایجاد آشوب و هرج و مرج، سعی می‌کردند نتایج سوء بی‌نظمی‌ها را به پای انجمن‌های ملی بیندازند. روزنامه ساحل نجات در خصوص شعبه دیلمان گزارش می‌دهد: «از زمانیکه این انجمن‌ها تشکیل شدند، اوضاع هرج و مرج شد... اعیان و مالکان دیلمان به اتفاق حکومت آنجا و معاونت انجمن

^۱ - این انجمن توسط ملک‌داران و اعیان لاهیجان در سال ۱۳۲۶ق، با مشارکت و اهتمام دو برادر به نام‌های مستطابان آقای شمس‌العلماء و آقای صدرالعلماء و جناب آقا میرزا اسدالله خان کلانتر تشکیل شد.

^۲ - در عصر مشروطه، شعبه‌های مختلفی از انجمن خیریه در شهرهایی چون رشت، دیلمان و انزلی تشکیل شد. عملکرد این انجمن‌ها برخلاف نامشان، تنها در جهت حمایت از مستبدین و مالکین و ضدیت با مشروطه‌خواهان بود. نمی‌توان فعالیت آن‌ها را با انجمن‌های خیریه ایرانیان در قفقاز - که در جهت حمایت از بینوایان فعالیت می‌نمودند - مقایسه کرد (دهنوی، ۱۳۸۳: ۵۷). در شهر رشت، انجمن خیریه از مستبدین و اجزای حکومتی تشکیل شد. رئیس این انجمن، میرزا محمدخان مفاخرالملک بود (فخرایی، ۱۳۵۲: ۷۰-۷۳). انجمن خیریه بندر انزلی نیز به ریاست آقا سید محمد رفیع تشکیل شد (روزنامه ساحل نجات، ۱۳۲۵: ش ۲).

خیریه دیلمان تفنگ‌ها بر دوش و مشتشا بر کمر به انجمن ملی هجوم آوردند» (روزنامه ساحل نجات، ش ۲ و ۳، ۱۲۸۵).

ضدیت انجمن‌های خیریه تنها به دهقانان محدود نمی‌شد و با انجمن‌های ملی نیز درگیر بودند. یکی از دلایلی که این انجمن‌ها نتوانستند همچون انجمن‌های روستایی فراگیر شوند، حضور فعال انجمن‌های ملی و ممانعت آن‌ها از گسترش شعب خیریه بود. در انزلی، حمایت گسترده مردم و فرقه مجاهدین از انجمن ملی، سرانجام به انحلال انجمن خیریه نوپا منجر شد. روزنامه ساحل نجات در این باره می‌نویسد: «اهالی انزلی خبردار شدند کاسه و کوزه ایشان را برچیدند و آسوده شدند والا امروز کار اهالی نیز بدتر از اهالی دیلمان بود» (ساحل نجات، ش ۳، ۲، ۱۲۸۵).

مهم‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین تشکیلات مالکان، انجمن مالکین بود که توسط حاج سید رضی و حاج سید خلیل در رشت برای تقویت مالکان و مقابله با مرام سوسیال دموکراسی رواج‌یافته میان دهقانان تشکیل شد (رابینو، ۱۳۶۸: ۲۲ و ۱۰۵). مالکان در نامه‌های خود از مجلس خواهان «حق و حدود مساوی عموم ملت» شدند، در حالی که به نظر می‌رسید مشروطیت را صرفاً ابزاری برای «ابقاء نظام ستم‌بار زمین‌داری» می‌دیدند (فلاح توتکار، ۱۳۸۵: ۱۳۳). پیگیری‌های انجمن مالکین منجر به اعزام حسام‌الاسلام توسط مجلس به گیلان شد. این نماینده، که حامی مالکان بود، صراحتاً تأکید کرد که مجلس اجازه نخواهد داد رعایا حقوق مالکان را تضییع کنند (روزنامه حبل‌المتین، ش ۳۳، ۱۲۸۶). مالکان با جلب حمایت مجلس، دولت و حاکمان محلی، در جلوگیری از تشکیل انجمن‌های محلی جدید موفق شدند. به عنوان نمونه، حاکم موروثی شفت، علی‌خان شجاع نظام شفتی، خانه محل برگزاری جلسه آقا سید باقر برای تشکیل انجمن را پلمب و او را محبوس ساخت (رابینو، ۱۳۶۸: ۲۱).

ضدیت مستمر این انجمن‌ها در نهایت به انحلال انجمن‌های محلی (روستایی) در سراسر گیلان به دستور حکومت مرکزی انجامید. انحلال انجمن‌های روستایی ضربه مهلکی به ساختار جنبش وارد کرد؛ زیرا این انجمن‌ها، صرفاً واسطه مطالبات روشنفکران نبودند، بلکه بازوی اجرایی بودند و مستقیماً مطالبات خاص جوامع روستایی از جمله الغای بیگاری، لغو تیول و رسم هدیه به مالکان را پیگیری می‌کردند (آفاری، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

علی‌رغم گستردگی و امتداد جنبش دهقانی در تقریباً تمام مناطق گیلان، این جنبش در نهایت به دلیل عدم حمایت مجلس و همسویی آن با منافع مالکان، با شکست مواجه شد. مجلس شورای

ملی، که ۲۱ درصد از نمایندگان آن را زمین‌داران تشکیل می‌دادند (شجیعی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۶۱)، عملاً تسلیم لابی زمین‌داران شد و با هرگونه تشکیل شورا در شهرها و روستاها مخالفت کرد (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۲). دولت مرکزی نیز از همان ابتدا، سیاست سرکوب جنبش را در دستور کار قرار داد و حکمرانان محلی گیلان، از جمله امیراعظم و سردار افخم، مستقیماً در سرکوب دهقانان نقش داشتند.

یکی از مؤثرترین اقدامات برای از هم پاشیدن پیکره اصلی جنبش، عملیات امیراعظم علیه انجمن عباسی بود که به عنوان مهم‌ترین انجمن در هدایت دهقانان و انجمن‌های روستایی عمل می‌کرد. امیر اعظم، حاکم گیلان، در مکاتبه‌ای با روزنامه *حبل‌المتین*، از انحلال این انجمن و دستگیری اعضای آن خبر داد و مدعی شد که پانزده هزار نفر از رهبران و اعضای آن توسط او دستگیر شده‌اند (روزنامه *حبل‌المتین*، ۱۳۲۵: ش ۱۷۷). با ورود نیروهای حکومتی مرکزی برای سرکوب، انجمن ولایتی گیلان، که زمانی مدافع تشکیل نهادهای محلی بود، ناچار شد در اعلامیه‌های متعدد، تشکیل انجمن‌های روستایی را متوقف کرده و پرداخت بهره مالکانه توسط دهقانان به اربابان را خواستار شود (روزنامه انجمن ولایتی، ۱۳۲۶: ش ۳، ۴).

انجمن‌های محلی از ابتدای امر مورد مخالفت شدید مجلسیان (به نمایندگی از طبقه زمین‌دار) قرار گرفتند و سرانجام نیز منحل شدند. دستور انجمن ولایتی مبنی بر توقف تشکیل انجمن‌های محلی، با هدف جلوگیری از کشتار دهقانان و برقراری نسبی امنیت در منطقه صادر شد.

انجمن ولایتی، اگرچه پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی جایگزین ساختارهای پیشین شد و در واقع ادامه‌دهنده مسیر انجمن‌های ملی مشروطه‌خواه (همچون انجمن‌های تبریز و رشت) بود، اما جایگاه مردمی و حمایتی آن قابل توجه بود. در شرایطی که نظارت مستمر مالکان و زیردستانشان مانع از ارسال مطالبات دهقانان به مرکز می‌شد، انجمن ولایتی و روزنامه‌های وابسته تنها مرجع رسمی برای انتشار و انتقال دردهای دهقانان محسوب می‌شدند. لازم به ذکر است که دستور انجمن ولایتی به پرداخت مال‌الاجاره در طول اوج جنبش صادر نشد، بلکه در زمانی صادر گردید که اتحاد نیروهای حکومت مرکزی، خوانین محلی و حاکم مرکزی گیلان در برابر دهقانان شکل گرفته بود؛ در آن شرایط، انجمن ولایتی تنها نهاد رسمی رابط بود که با صدور این دستور، خواهان توقف کشتار گسترده دهقانان و خانواده‌هایشان شد. مجلس ملی نیز انجمن ولایتی را به دلیل «نفهماندن اصول مشروطیت» محکوم کرد و دستور پایان بخشیدن فوری به

اغتشاشات را صادر نمود (مذاکرات مجلس اول شورای ملی، ۱۳۲۵: ۱۱۹). رابینو به اعتراض مالکان به حاجی محمدرضا، یکی از اعضای انجمن ولایتی، اشاره می‌کند که آن‌ها او را عامل اصلی شلوغی گیلان و حامی اعتراضات علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌دانستند (رابینو، ۱۳۶۸: ۲۶).

عملکرد انجمن ولایتی را نمی‌توان در ردیف انجمن‌های رادیکال مانند انجمن عباسی قرار داد. در مورد انجمن عباسی، باید به انگیزه‌های قدرت‌طلبی آن‌ها نیز توجه داشت؛ بخش قابل توجهی از اقدامات آن‌ها نه صرفاً عدالت‌خواهانه، بلکه تلاشی برای تثبیت قدرت جدید در مقابل مالکان و حکومت محلی بود. آن‌ها برای پیشبرد اهداف، دهقانان را تحریک کرده و درگیری‌هایی را دامن می‌زدند.

در مقابل، ترکیب ناهمگون انجمن ولایتی که شامل عناصر میانه‌رو مشروطه‌خواه و حتی عناصری با گرایش‌های استبدادی بود، بر تصمیماتش تأثیر گذاشت. با این حال، بررسی کلی عملکرد انجمن ولایتی در عصر مشروطه اول نشان می‌دهد که این انجمن را نمی‌توان در دسته مخالفان سرسخت جنبش دهقانی دسته‌بندی کرد.

در نهایت، انجمن‌های حامی دهقانان با ترویج اندیشه‌های دموکراسی اجتماعی و بیداری طبقاتی از طریق روزنامه‌های وابسته، تأثیر عمیقی بر آگاهی دهقانان گذاشتند. تشکیل انجمن‌های روستایی، که با حمایت انجمن ملی و انجمن عباسی صورت گرفت، گامی مؤثر در جهت تقویت نهادهای محلی و مشارکت مستقیم دهقانان بود. با این وجود، همان‌طور که ذکر شد، مقاومت ساختاری مالکان و حمایت نهادهای مرکزی منجر به توقف این جنبش گردید.

با وجود نقاط ضعف موجود در ساختار انجمن‌های عصر مشروطه گیلان، نقش محوری آن‌ها در فراگیر شدن جنبش دهقانی در دو سال نخست مشروطه قابل انکار نیست. شکست این حرکت پیشرو را می‌توان به چند عامل ساختاری نسبت داد: ناتوانی مجلس در تدوین برنامه‌ای عملی برای بهبود وضعیت دهقانان، بی‌تفاوتی و عدم حمایت رسمی مجلس از جنبش و انجمن‌های مرتبط، و از سوی دیگر، بی‌سوادی گسترده دهقانان و پراکندگی رهبری جنبش به دلیل حمایت‌های متضاد از سوی گروه‌های مختلف سیاسی.

هنگامی که نیروهای حکومت مرکزی اعزام شدند و نظام ارباب-رعیتی در حال بازگشت بود، انجمن ولایتی گیلان به عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی، ناچار به صدور دستور توقف فعالیت

انجمن‌های محلی و درخواست پرداخت مال‌الاجاره معوقه از سوی دهقانان شد. به عقیده آدمیت، دلیل اصلی این احتیاط انجمن ولایتی در پایان جنبش، هراس از مداخله نظامی روسیه در گیلان در بستر ادامه اغتشاشات بود (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴۷۵).

تأمین امنیت، یکی از کارکردهای اساسی انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود و حتی گروه‌های رادیکال‌تری مانند سوسیال دموکرات‌ها نیز بر اهمیت این نقش اجرایی صحنه می‌گذاشتند و در برنامه‌های خود، خواستار اداره ژاندارمری توسط همین انجمن‌ها بودند (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۹). مجلس اول، تلاش‌های خود برای اصلاحات ارضی و مالیاتی را نه با هدف بهبود وضع دهقانان، بلکه صرفاً برای تأمین موازنه بودجه و بهبود خزانه انجام داد. مجلس هیچ لایحه‌ای مبنی بر تقسیم یا فروش زمین به دهقانان تصویب نکرد و در کاهش مالیات‌های دولتی نیز گامی برنداشت (فوران، ۱۳۹۶: ۵۲).

علی‌رغم تلاش‌های انجمن ولایتی برای جلوگیری از اعزام نیروهای نظامی، در نهایت حدود دویست نیروی نظامی از تهران وارد گیلان شدند تا انجمن‌های روستایی را برچینند (رابینو، ۱۳۶۸: ۴۳). روزنامه خیرالکلام در واکنش به این ویرانی‌ها پرسید: «انجمن را که از دست رعیت بیچاره می‌گیری چه چیزی در مقابل می‌دهی؟... آیا برداشتن این انجمن‌ها به نفع بوده است یا برداشتن کمیسیون رشوه» (روزنامه خیرالکلام، ش ۷، ۱۳۲۵). برچیده شدن انجمن‌های روستایی، رسماً به معنای پایان کار جنبش دهقانی در گیلان تلقی شد. کتاب آبی در خصوص این پایان می‌نویسد: «حکومت، کسانی که رعایا را به سرپیچی و امتناع از دادن سهم عایدات ملکی تحریک می‌نمودند، گرفتار کرد. هرچند صاحبان املاک مبلغ کثیری متضرر شدند اما تمام ولایات را آرامش فرا گرفت» (کتاب آبی، ۱۳۶۳، ۱/۶۶). با این حال، اگرچه جنبش دهقانی گیلان سرکوب شد، اما این حرکت به عنوان پایدارترین و پیشروترین حرکت دهقانی تاریخ معاصر ایران، بر آگاهی دهقانان منطقه در دفاع از حقوقشان تأثیری عمیق و ماندگار گذاشت.

۶. تفاوت در اهداف و پایگاه‌های اجتماعی انجمن‌ها و تأثیر آن بر شکست جنبش دهقانی

یکی از مسائل قابل تأمل در تحلیل شکست جنبش دهقانی، توجه به تفاوت‌های ماهوی در پایگاه‌های اجتماعی انجمن‌ها و نقش این تشکلات در ناکامی کلی جنبش بود. برخی از این انجمن‌ها فعالیت سیاسی خود را صرفاً تحت لوای نامی مذهبی پنهان می‌کردند؛ برای مثال، «انجمن ابوالفضل گیلان» با پوشش دسته‌ای عزادار، به دنبال کسب مصونیت از مداخلات حکومتی بود

(فخرایی، ۱۳۵۲: ۳۶). این نام با طبقه عوام، به‌ویژه روستاییان، همخوانی داشت و آدمیت آن را شاخه‌ای از فرقه مجاهدین رشت معرفی می‌کند (آدمیت، ۱۳۸۸: ۷۳). خاستگاه اصلی اعضای این انجمن از پیشه‌وران بود و به‌تدریج کسبه، دکانداران، واعظان و دهقانان نیز به آن پیوستند. در مقابل، «انجمن ولایتی» به‌عنوان یکی دیگر از ارکان حامی جنبش، متشکل از طبقات متنوع‌تری شامل اعیان، تجار، اصناف، مالکان و علما بود. مقایسه خاستگاه اعضای انجمن ابوالفضلی و انجمن ولایتی، تفاوت ماهوی در اهداف و برنامه‌های آن‌ها را آشکار می‌سازد. در حالی که «انجمن عباسی» رویکردی رادیکال‌تر در حمایت از دهقانان اتخاذ کرده بود، «انجمن ولایتی» به واسطه جایگاه رسمی‌اش، محتاطانه‌تر عمل می‌نمود.

با این حال، رادیکالیسم انجمن عباسی لزوماً به معنای حمایت همه‌جانبه از آرمان‌های جنبش یا اتخاذ روش‌های مبارزاتی صحیح نبود. این انجمن ماهیتی کاملاً سیاسی داشت و بسیاری از اقداماتش صرفاً با هدف جلب حمایت عمومی صورت می‌گرفت. اعضای فعال آن عمدتاً بر روش سخنرانی تکیه داشتند و به نظر می‌رسد دغدغه اصلی‌شان تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت نوظهور بود. آنان با به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون، در تقابل با دیگر نیروهای محلی از جمله حکومت محلی، مالکان و به‌خصوص انجمن ولایتی قرار گرفتند.

اعضای انجمن عباسی با برگزاری سخنرانی‌های مکرر در میان دهقانان و تشویق آنان به مقابله با مالکان، در صدد تضعیف طبقه مالک و تحکیم نفوذ خود در منطقه برآمدند. این انجمن نوظهور به مخالفت با نمایندگان منتخب انجمن ولایتی و ساختار حکومت مرکزی برخاست. سید جلال شهرآشوب، از اعضای فعال، آشکارا با امیراعظم، حکمران گیلان، مقابله می‌کرد و خواستار اخراج برخی نمایندگان انجمن ولایتی بود (رابینو، ۱۳۶۸: ۳۳).

این تقابل‌ها به درگیری‌های داخلی میان دو انجمن عباسی و ولایتی منجر شد؛ انجمن ولایتی به عنوان نهادی اجرایی، با عناصر سرکش محلی مقابله می‌کرد (خارابی، ۱۳۷۹: ۷۲). شواهدی وجود دارد که برخی از اعضای انجمن عباسی به عنوان آشوبگر از سوی انجمن ولایتی بازداشت شدند. رابینو به رویارویی این دو انجمن و دستگیری اعضای سرشناسی چون رحیم شیشه‌بر و سید جلال شهرآشوب توسط انجمن ولایتی اشاره دارد (رابینو، ۱۳۶۸: ۱۸). این افراد از مخالفان تثبیت جایگاه انجمن ولایتی و حامیان تداوم خودمختاری گیلان (ایالت ماندن) بودند. این

اختلافات ریشه‌دار میان دو قدرت نوظهور اجتماعی، یکی از عوامل اصلی تضعیف بنیه جنبش دهقانی و انجمن‌های محلی به شمار می‌رفت.

انجمن‌های محلی، در واقع نهادهای انقلابی و سیاسی بودند که برنامه‌های حامیان خود، نظیر انجمن عباسی، انجمن ملی انزلی و گروه‌هایی چون اجتماع‌یون عامیون را به اجرا درمی‌آوردند. این گروه‌های سیاسی تلاش می‌کردند تا دهقانان را با نابرابری‌های اجتماعی آشنا سازند. اما درگیری و تفرقه میان انجمن‌های حامی جنبش، مانع از اجرای مؤثر بسیاری از برنامه‌های آنان در رویارویی با مالکان شد.

در مقابل، خاستگاه یکپارچه انجمن‌های مخالف جنبش، مانند انجمن‌های مالکین و خیریه- که تماماً از زمین‌داران تشکیل شده بودند- عامل موفقیت آنان در مقابله با دهقانان بود. تمرکز و هدف متحد تمامی انجمن‌های مخالف، مبارزه با خیزش دهقانی و حفظ قدرت و رسوم استبدادی در منطقه بود. در چنین شرایطی، تفرقه و تضاد میان رهبران و اعضای انجمن‌های حامی مشروطه، به تضعیف و نهایتاً شکست جنبش در برابر اتحاد هماهنگ انجمن‌های مخالف، حکومت محلی، حکومت مرکزی و مجلس انجامید.

تقابل میان انجمن‌های مختلف، چه حامی و چه مخالف، در جنبش دهقانی، بازتابی آشکار از شکاف سنتی میان ارباب و رعیت بود؛ شکافی که خود یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این جنبش محسوب می‌شد و در مطالبات دهقانان و برنامه‌های انجمن‌های حامی آنان مشهود بود. این تقابل درونی میان انجمن‌های حامی جنبش، نشان‌دهنده شکافی بود که از همان آغاز عصر مشروطه بین مشروطه‌خواهان تندرو و میانه‌رو پدیدار شد و این امر، خود از عوامل محوری ضعف و شکست جنبش دهقانی گیلان در آن دوره به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

در بررسی نقش انجمن‌های عصر مشروطه گیلان در جنبش دهقانی، با دیدگاه‌های متناقضی روبه‌رو می‌شویم که فقدان یک برنامه واحد و ساختارمند در انجمن‌های غیررسمی، به تشدید این تضادها دامن زد. این انجمن‌ها تقریباً در تمامی مسائل محلی منطقه حضور فعال داشتند، به‌ویژه انجمن‌های رسمی که به‌عنوان پلی ارتباطی میان مردم، حکومت مرکزی و مجلس عمل می‌کردند. برخی از

این نهادها نقشی محوری در شکل‌گیری، گسترش و در نهایت فرونشستن جنبش دهقانی ایفا کردند.

انجمن‌های حامی دهقانان با ترویج اندیشه‌های دموکراسی اجتماعی و بیداری طبقاتی، تأثیری عمیق بر آگاهی روستاییان نهادند. این نهادها از طریق انتشار مطالب در روزنامه‌های وابسته، کوشیدند تا دهقانان را نسبت به حقوق خود آگاه سازند. تشکیل انجمن‌های روستایی توسط انجمن ملی و انجمن عباسی، گامی مؤثر در جهت مشارکت مستقیم دهقانان و تقویت نهادهای محلی محسوب می‌شد. در مقابل، مالکان نیز با تأسیس انجمن‌هایی چون «انجمن مالکین»، «انجمن خیریه» و «انجمن صفا»، در پی جلب حمایت نهادهای قدرت و حفظ منافع طبقاتی خود برآمدند. با وجود گستردگی جنبش و تلاش‌های انجمن‌های طرفدار دهقانان، این حرکت در نهایت با موانع ساختاری روبه‌رو گشت و متوقف شد.

اگرچه انجمن‌های عصر مشروطه گیلان از ضعف‌های ساختاری رنج می‌بردند، اما نمی‌توان نقش حیاتی آن‌ها را در فراگیر شدن جنبش دهقانی در دو سال نخست مشروطه نادیده انگاشت. عواملی چون عدم برنامه‌ریزی هدفمند مجلس برای بهبود وضعیت دهقانان، بی‌حمایتی پارلمان از جنبش و انجمن‌های مرتبط، بیسوادی گسترده روستاییان و پراکندگی رهبری ناشی از حمایت گروه‌های مختلف، از دلایل اصلی شکست این حرکت بودند.

با اعزام نیروهای نظامی توسط حکومت مرکزی و بازگشت نظام ارباب-رعیتی، انجمن ولایتی گیلان- به عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی- برای حفظ نظم و امنیت، ناگزیر به صدور دستور توقف فعالیت انجمن‌های محلی و مطالبه پرداخت مال‌الاجاره معوقه از دهقانان شد. در مجموع، انجمن‌های عصر مشروطه با وجود کاستی‌هایشان، نقشی کلیدی در جنبش دهقانی گیلان ایفا کردند؛ جنبشی که به عنوان پایدارترین و پیشروترین حرکت دهقانی این منطقه در تاریخ معاصر ایران به ثبت رسیده است.

اگرچه جنبش دهقانی گیلان در نهایت با سرکوب مواجه شد، اما میراثی ماندگار در تاریخ تحولات اجتماعی ایران بر جای نهاد. این جنبش را می‌توان نخستین حرکت سازمان‌یافته روستایی در دوره معاصر دانست که توانست برای اولین بار، مسئله زمین و مناسبات ارباب-رعیتی را به یک گفتمان ملی تبدیل کند. تجربه تشکیل انجمن‌های روستایی توسط دهقانان، الگویی ماندگار از خودسازمان‌دهی و مشارکت مردمی در عرصه عمومی پدید آورد. این انجمن‌ها، هرچند عمری

کوتاه داشتند، اما اثبات کردند که جامعه روستایی ظرفیت بسیج و مشارکت سیاسی مستقل از ساختارهای سنتی را داراست.

جنبش دهقانی گیلان همچنین زمینه‌ساز ظهور نخستین نشانه‌های آگاهی طبقاتی در میان روستاییان بود. دهقانانی که پیش از آن صرفاً رعایایی مطیع تلقی می‌شدند، برای نخستین بار به کنشگرانی تبدیل شدند که برای احقاق حقوق خود به مبارزه برخاستند. این جنبش، شکاف عمیق میان مشروطه‌خواهان را در مواجهه با مسئله ارضی آشکار ساخت؛ در حالی که جریان‌های رادیکال از تغییر مناسبات زمین‌داری حمایت می‌کردند، جریان‌های محافظه‌کار حاضر به تحدید حقوق مالکیت نبودند. تجربه جنبش دهقانی گیلان ثابت کرد که بدون اصلاحات ساختاری در نظام مالکیت زمین، دستاوردهای مشروطه ناقص و ناکامل خواهد ماند. هرچند جنبش سرکوب شد، اما خاطره مبارزات دهقانی در حافظه جمعی منطقه باقی ماند و بستری برای مقاومت‌های بعدی در برابر ستم مالکان فراهم آورد و الهام‌بخش روشنفکران و کنشگران اجتماعی در دهه‌های پس از آن شد.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران: نشر گستره.
- ————— (۱۳۸۸)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات گستره.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۴)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۵)، *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تدین، عطاء الله (۱۳۵۳)، *نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: فروغی.
- جورابچی، محمدتقی (۱۳۶۳)، *حرفی از هزاران کاندید حکایت آمد*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خارابی، فاروق (۱۳۸۶)، *انجمن‌های عصر مشروطه*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- دوگوبینو، کنت (بی تا)، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: انتشارات فرخی.
- رابینو، ه. ل (۱۳۶۶)، ولایات دارالمرز ایران گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: نشر طاعتی.
- رابینو، ه. ل (۱۳۶۸)، مشروطه گیلان (از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد در سال ۱۳۳۰ ه.ق)، به کوشش محمد روشن، رشت: نشر طاعتی.
- رئیس نیا، رحیم (بی تا)، انقلاب مشروطیت ایران (زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مشروطیت)، تبریز: نشر ابن سینا.
- سالور، مسعود و افشار، ایرج (۱۳۷۷)، یادداشت‌های عین السلطنه، ج ۳، تهران: نشر اساطیر.
- سوداگر، محمد (۱۳۵۹)، نظام ارباب-رعیتی در ایران، تهران: نشر پازند.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: نشر اختران.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران: نشر سخن.
- عبدالله یف (۱۳۶۱)، روستائیان ایران در اواخر دوره قاجاریه، ترجمه مارینا کاظم زاده، مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی، تهران: نشر آگاه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فوران، جان (۱۳۹۶)، یک قرن انقلاب در ایران (جنبش‌های اجتماعی در ایران)، ترجمه حسن اسدی، تهران: انتشارات مولی.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۲)، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: نشر کتاب‌های جیبی.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹)، تاریخ گیلان، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- کتاب آبی (۱۳۶۳)، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.

- کتاب نارنجی (۱۳۶۷)، گزارش‌های وزارت امور خارجه درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۴، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نور.
- کرمانی، احمد مجدالاسلام (۱۳۵۱)، تاریخ انحلال مجلس، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لمبتون، آ. ک. س (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۸۶)، یک کلمه، به کوشش باقر مومنی، تهران: نشر شادگان.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۸)، ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، مذاکرات مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶)، توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل، تهران: نشر مازیار.
- مومنی، باقر (۱۳۵۹)، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: نشر پیوند.
- نعمایی، فرهاد (۱۳۵۸)، تکامل فئودالیسم در ایران، تهران: نشر خوارزمی.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۲)، اجتماعيون عاميون، تهران: نشر نی.

مقالات

- دهنوی، نظامعلی (۱۳۸۳)، «قفقاز، انجمن‌های خیریه ایرانیان مهاجر در سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۳۱»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۸، صص ۵۵-۷۰.
- خارابی، فاروق (۱۳۷۹)، «نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۱۶، صص ۶۳-۹۰.
- فلاح توتکار، حجت (۱۳۸۵)، «بازتاب مسئله دهقانی در مجلس اول»، تاریخ پژوهان، شماره ۷.
- یزدانی، سهراب (۱۳۷۹)، «انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران»، زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۹.

روزنامه‌ها

- آموزگار ۱۳۲۹، ش ۲.
- انجمن ولایتی ۱۳۲۵، شماره‌های ۱ و ۴.
- تمدن ۱۳۲۵، ش ۲۰.
- حبل‌المتین ۱۳۲۵، شماره‌های ۱۵، ۴۱، ۴۳ و ۶۷، و ۱۳۲۶، شماره‌های ۳۳ و ۱۶۴.
- خیرالکلام ۱۳۲۵، شماره‌های ۶، ۷، ۹ و ۱۰.
- ساحل نجات ۱۳۲۵، ش ۱۲، و ۱۳۲۶، ش ۲.
- صبح صادق ۱۳۲۵، ش ۸۰.
- گیلان ۱۳۲۸، ش ۲۱، و ۱۳۲۹، ش ۴۹.
- مجلس ۱۳۲۵، شماره‌های ۲، ۶۱، ۱۶۵ و ۲۱۴، و ۱۳۲۶، شماره‌های ۴۸ و ۱۱۹.
- نسیم شمال ۱۳۲۶، ش ۱۲.

اسناد

مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (۱۳۲۵)، تهران: چاپخانه مجلس.